

واکاوی خانه‌های سنتی شهر همدان با روش نشانه‌شناسی لایه‌ای^۱

محمدرضا افشاری بصیر^۱، منوچهر فروتن^۲، محمد مهدی سروش^۳

دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱۰، پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۶/۰۹؛ صفحه ۵۱ تا ۶۶

Doi: 10.22034/rac.2023.560461.1027

چکیده

امروزه با توجه به اهمیت جایگاه معانی، طراح معماری باید بداند آنچه که خلق می‌کند از طریق چه سازوکاری نزد مردم معنی و تفسیر می‌شود. خانه نیز در ساختارهای معماری به دنیای مفاهیم و معانی تعلق دارد. در این پژوهش از میان رویکردهای مختلفی که به بررسی معنای خانه پرداخته‌اند، رویکرد علوم اجتماعی که بیشتر به جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی خانه توجه دارد انتخاب شده است. در این رویکرد یکی از روش‌هایی که از آن در جهت بررسی خانه می‌توان بهره گرفت روش نشانه‌شناسی است. نشانه‌شناسی در حوزه معماری می‌تواند به شناخت فرایند معنی از سوی مردم، جنبه‌ای آگاهانه ببخشد، از این رو پژوهش حاضر به دنبال تبیین و خوانش عناصر معماری خانه براساس نظریات نشانه‌شناسی است. نشانه‌شناسی یکی از روش‌های واکاوی متن، در جست‌وجوی معانی پنهان و ضمنی است. همچنین این پژوهش به لحاظ نتایج نیز از نوع توصیفی - تحلیلی است. هدف این پژوهش بررسی مؤلفه‌های اثرگذار در ایجاد معنا در خانه سنتی شهری و تدوین مدل مفهومی برای خوانش مناسب متن خانه با روش نشانه‌شناسی لایه‌ای است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که خانه متنی است که از مجموعه لایه‌های متعدد معنایی و نظام‌های درگیر در بنا که پشتیبانی‌کننده یکدیگر و اثرگذار بر هم هستند و یک کلیت نظام‌مند به نام خانه را به وجود می‌آورند.

کلیدواژه‌ها: معنا، نشانه‌شناسی، معماری ایران، شهر همدان، خانه‌های سنتی.

۱. مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه رساله دکتری نگارنده اول با عنوان «معنای خانه شهری ایرانی (منطقه زاگرس): تحلیل نشانه‌شناختی تحول معنا از خانه سنتی تا خانه معاصر» است که با راهنمایی نویسنده مسئول و مشاوره نویسنده سوم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان ارائه شده است.

۲. دانشجوی دکتری، گروه هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

۳. استادیار، گروه هنر و معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران. (نویسنده مسئول).

Email: m.foroutan@iauh.ac.ir

۴. استادیار، گروه هنر و معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

مقدمه

با اهمیت پیدا کردن زبان در نظریه‌های ساختارگرایانه و پس‌اساختارگرایانه، بناهای معماری به عنوان یک متن دیده شده است (نسیبت، ۱۳۹۱). متنی که، مجموعه‌ای از ارزش‌ها، اندیشه‌ها و سنت‌ها را به همراه خود منتقل می‌نماید و واجد زبانی در پس پرده خویش بوده که با مخاطب به گفت‌وگو می‌نشیند و مخاطب سعی در خوانش معنا و تاویل آن را دارد. معنا، یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که امروزه در حوزه‌های روانشناسی، جامعه‌شناسی، معماری، شهرسازی و طراحی منظر، پژوهش‌های زیادی را به خود اختصاص داده است، طوری که در حوزه معماری، جایگاه معانی در حد و اندازه، فرم و عملکرد حائز اهمیت بوده است و شناخت بهتر آن زمانی ارزش بیشتری می‌یابد که علاوه بر بررسی عناصر و ویژگی‌های کالبدی معماری، معانی برخاسته از آن نیز مورد واکاوی قرار گیرد. امروزه با دستیابی بشر به فناوری اطلاعات و پیشرفت در زمینه‌های ارتباطات و رایانه و در کل با ظهور پدیده جهانی شدن، تحولاتی در زمینه‌های فرهنگی - اجتماعی، سیاسی و اقتصادی رخ داده است که مهم‌ترین آنها بحران فرهنگی و بحران هویت و معناست (کاستلز، ۱۳۸۰). پدیده جهانی شدن با شکستن مرزهای ساختگی و تسخیر جهان موجب ادغام نظام‌های معنایی، حذف بخش‌هایی از این نظام‌ها و در انتها اضافه شدن معنایی که محصول مدرنیته و جهانی شدن هستند و این نظام‌های معنایی و هویت‌بخش را به سمت یکسان‌سازی با نمونه‌های مشابه در گوشه و کنار جهان هدایت کرده و موجب گسترش ارزش‌های عام و جهان‌شمول براساس فرهنگ جهانی مدرنیته گردیده است. این امر نیز در معماری مدرن باعث نفی زبان معماری شده است، زبانی که طی تاریخ همپای سایر جوانب تمدن انسانی تکوین یافته و نهضت معماری مدرن با روی گردانی از آن، گویی واژگان زبان معماری را تا حد عناصر پایه تجسمی تقلیل داده است (انصاری، ۱۳۸۹).

خانه در ساختارهای معماری جایگاه ویژه‌ای دارد. حال‌وهوای درونی هر خانه، مانند یک شیوه سخن گفتن است. خانه به مثابه یک کالبد معماری حاوی ایده‌ها و ارزش‌هاست (هاشم‌نژاد، ۱۳۸۰). متأسفانه امروزه با ظهور مدرنیته و صنعتی شدن جوامع، به خانه، به عنوان وسیله‌ای با کارکرد موقت نگریسته می‌شود و همانند دیگر تولیدات صنعتی و کالبدی، خانه تنها برای برآوردن نیازهای مادی به شمار می‌آید و این امر باعث گردیده خانه معنایی جدید به خود بگیرد. در فرهنگ ایرانی

نیز، خانه، محلی برای تجلی بخشیدن به ارزش‌های معنوی و فرهنگی و نیز جلوه مستقیم برای شیوه زندگی و حفظ خانواده بوده است. خانه‌های سنتی ایران به عنوان بخش مهمی از معماری گذشته، با در نظر گرفتن نیازهای انسانی، جای‌جای آن دارای معنا و مفهومی برای استفاده‌کنندگان آن بوده و تأثیر معنا را می‌توان در خانه‌های سنتی به وضوح مشاهده نمود که این خود باعث ارزش‌دار شدن خانه، می‌گردد (پیرنیا، ۱۳۸۶). در میان رویکردهای مختلف بررسی معنای خانه، چهار رویکرد اصلی عبارتند از پدیدارشناسی، حکمی، روانشناسی محیط و رویکرد علوم اجتماعی، که نگاه علوم اجتماعی بیشتر به جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی خانه توجه دارد. در این رویکرد یکی از روش‌هایی که از آن در جهت بررسی خانه می‌توان بهره گرفت، روش نشانه‌شناسی است. مطالعات نشانه‌شناختی بر نظام قواعدی که بر گفتمان‌های درگیر در متون حاکم هستند، تمرکز دارد و به نقش بافت نشانه‌شناختی در شکل‌دهی معنا تأکید می‌کند (چندلر، ۱۳۸۶).

این پژوهش، معماری را به عنوان متنی می‌داند که از لایه‌های متعدد تشکیل شده، این لایه‌ها به صورت سامانه‌ای و فرایندی با یکدیگر در ارتباط‌اند و از همنشینی آنها موجودیتی یکپارچه به نام «متن معماری» متولد می‌شود. نشانه‌شناسی از طریق نشانه‌های موجود در طرح، به بازشناسی لایه‌ها و زیر لایه‌های طرح پرداخته و امکان خوانش طرح را میسر می‌سازد. نشانه‌شناسی در حوزه معماری می‌تواند به شناخت فرایند معنی از سوی مردم، جنبه‌ای آگاهانه ببخشد. طراح معماری باید بداند آنچه که خلق می‌کند از طریق چه سازوکاری نزد مردم معنی و تفسیر می‌شود. این آگاهی در مرحله شناخت از محیط و واکنش مردم نسبت به فضاهای معماری و در هنگام طراحی کمک و راهنمای طراح است. اگرچه معنی تنها یک لایه از تجربه فضا را شکل می‌دهد و ممکن است حتی توسط مردم درک نشود، اما با تسلط و آگاهی نسبت به تفسیر ذهنی مردم، طراح می‌تواند از ایجاد دلالت‌های ناخواسته و بعضاً نامطلوب در محیط شهری جلوگیری کند. هدف این پژوهش بر پایه واکاوی نشانه‌شناسی است، که در آن هر اثر معماری از جمله بناهای معماری به مثابه یک متن بوده و به جست‌وجوی لایه‌های متفاوت تولید متن پرداخته تا مشخص گردد که چگونه لایه‌های متن در سطوح مختلف رمزگانی به صورت هم‌زمانی و در زمانی با یکدیگر ارتباط داشته و می‌توانند یکدیگر را تقویت یا تضعیف نمایند. همچنین پژوهش فوق به دنبال پاسخ به این پرسش است که چگونه می‌توان از طریق روش

فضای شهری، آفرینش شاعرانه و صنایع ادبی در این فضا را قرار داده‌اند. غفاری (۱۳۹۶) در «تحلیل نشانه‌شناختی بافت تاریخی کرمان بر پایه ارتباط لایه‌های متن - بافت» به مؤلفه‌هایی همچون متن معماری، مناسبت همنشینی و جانمایی، نشانه‌شناسی بافت شهری و لایه‌های متن - بافت اشاره می‌کند. در پژوهشی دیگر از امیرسرداری، فروتن، معظمی و محمدی (۱۳۹۸) با عنوان «برج مسکونی در قاب سینما: واکاوی نشانه‌شناختی ساختمان‌های بلند مسکونی در سینمای بعد از انقلاب اسلامی ایران» به بررسی چگونگی امکان بهره‌مندی از روش‌های تحلیل گفتمان و نشانه‌شناسی آثار معماری و جست‌وجوی رویه‌ای برای دریافت معانی پرداخته شده است که بیان‌گر تأثیر بافت فرهنگی - اجتماعی جامعه مخاطب اثر معماری است. پناهی و رحیمی (۱۳۹۸) در مقاله «بررسی نحوه آفرینش فضای معماری» با تأکید بر مفهوم نشانه‌شناسی و بینامتنیت بیان می‌کنند که بینامتنیت و نشانه‌شناسی را می‌توان به عنوان روشی برای تحلیل آثار هنری به کار برد و معماری به عنوان یک اثر هنری را می‌توان متن دانست و برای فهم بهتر فضای معماری هم‌زمان از نشانه‌شناسی و بینامتنیت استفاده کرد.

بررسی معنای معماری

معنای مکان، یک برداشت عمومی و اولیه در مواجهه با مکان حضور انسان است که پس از حضور مداوم در محیط و نه یکباره، تداوم پیدا می‌کند و با قضاوت فردی در مورد پیرامون خود شکل قوام‌یافته به خود می‌گیرد که امکان تعالی و تثبیت آن در هماهنگی انسان با محیط، امکان بهره‌مندی از محیط و سودمندی حضور در آن را به خاطر رضایت‌مندی کاربران فراهم می‌کند. در واقع معنای مکان برآیندی از عوامل متفاوت در تعامل انسان و مکان است که از طریق پیام‌های عناصر مختلف موجود در مکان نمود پیدا می‌کند (شولتز، ۱۳۸۷). معنای معماری در این بخش با رویکردهای مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. معنای معماری با رویکرد اجتماعی - فرهنگی، دل بستن به یک مکان جنبه سمبلی و رمزی ارتباط بین انسان و مکان است که صفاتی درونی از شخص را به یک فضای خاص معماری می‌دهد. این حس تعلق، مبنایی برای ادراک فردی و گروهی در مواجهه با محیط است که به شکل معمول خود در بستر فرهنگی و هویتی یک جمع انسانی روی می‌دهد. پس تعلق به مکان وابسته به احساس و عاطفه هم باشد، در تداوم آن پشتوانه فرهنگی و هویتی را با خود یدک می‌کشد (Low & Altman, 1992).

نشانه‌شناسی لایه‌ای، به خوانش معنای نهفته در بناهای معماری همچون خانه دست یافت؟

پیشینه پژوهش

در زمینه پیشینه پژوهش، پژوهش‌های صورت گرفته را می‌توان در دو مورد، پژوهش‌هایی که در مورد معنای خانه انجام گرفته و پژوهش‌هایی که در مورد نشانه‌شناسی معماری صورت گرفته دسته‌بندی کرد. با توجه به موضوع پژوهش در مورد معنای خانه، نگاه علوم اجتماعی بیشتر مورد توجه و بررسی قرار گرفته است. قلیچ‌خانی (۱۳۹۱) در رساله دکتری خود تحت عنوان «رویکردی تحلیلی به سیر تحول خانه ایرانی در عهد قاجار» به سیر تحول تاریخی خانه ایرانی در عهد قاجار می‌پردازد و با نگاهی هم‌زمان به معماری و کالبد بنا و نیز تحولات اجتماعی و تاریخی ایران، این دگرگونی فضایی را پیگیری می‌کند و در پی آن است که سیر تحول و تأثیرپذیری خانه‌های این دوران را از هر آنچه بیرون کالبد بنا رخ می‌دهد ترسیم نماید. آزاده آقالطیفی (۱۴۰۰) مقاله «در جست‌وجوی نسبت تحولات خانه‌های معاصر و خانه‌های تاریخی سنج» (برگرفته از طرح پژوهشی با عنوان «مستندسازی ابنیه مسکونی با رویکرد استخراج آموزه‌های معماری بومی و کاربرد آن در ساخت‌وسازهای معاصر» به سرپرستی او در سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷ به انجام رسیده است)، به خوانش کالبد از دریچه فرهنگ زیست در خانه‌های تاریخی سنج پرداخته و مباحثی همچون خانه، مسکن و فرهنگ زیستن را مورد مطالعه قرار داده است. در مورد نشانه‌شناسی معماری نیز پژوهش‌هایی که صورت گرفته‌اند که مجموعه مقالات نشانه‌شناسی: نظریه و عمل، سجودی (۱۳۸۸) را می‌توان از نخستین پژوهش‌های نشانه‌شناسی و زبان‌شناسی نام برد. در این مجموعه مقالات، پژوهشی به نشانه‌شناسی میدان نقش جهان اصفهان پرداخته است. نجومیان (۱۳۸۷) در «تحلیل نشانه‌شناختی از خانه‌های تاریخی کاشان» به مواردی چون نشانه‌شناسی ساختارگرا و پس‌اساختارگرا به همراه نشانه‌شناسی فرهنگی اشاره دارد. دباغ و مختاباد امرنی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «چارچوب نوین برای خوانش مساجد تهران معاصر» به تبیین مدل نشانه‌شناختی از طریق متن معماری و خوانش معماری از طریق نشانه‌شناسی مسجد مبادرت ورزیده‌اند. سرمستانی، فروتن و طهوری (۱۳۹۷) در مقاله «آفرینش شاعرانه در فضای شهری (واکاوی نشانه‌شناختی فضای شهری باغ بلند شیراز)» مؤلفه‌هایی همچون نشانه‌شناسی

است که طی آن، انسان به دنبال یافتن جای پای محکم در جهت ارتباط با محیط و پیوند صمیمانه با آن است. در حالی که اکثر تجربه‌گرایان، عمدتاً به بررسی عوامل اجتماعی تأثیرگذار در شکل‌گیری این حس پرداخته‌اند، تعدادی از محققین به نقش محیط کالبدی در شکل‌گیری حس تعلق تأکید داشته‌اند. هارولد پروشانسکی^۱ هویت فردی را منبعث از هویت مکانی و این هویت را نشأت گرفته از ادراک، شناخت و نهایتاً احساسات نسبت به مکان می‌داند. وی با تأکید بر هویت مکان به عنوان بستر و عامل ارتباطی مهم در ارتباط انسان، بر نقش عوامل کالبدی به عنوان بخشی از عناصر اجتماعی در محیط تأکید می‌کند و بر این اساس عامل مهم تعامل و ارتباط تنگاتنگ فرد با محیط خود را به عناصر کالبدی محیط به عنوان بخشی از هویت ذهنی و فردی ارجاع می‌دهد. از نظر کانتر^۲ نیز مکان نمی‌تواند مستقل از فرد باشد. آنچه که محور اصلی نظریه مکان کانتر را شکل می‌دهد، مدلی است که رابطه میان مؤلفه‌های شکل‌دهنده هر مکان را توضیح می‌دهد. کانتر برای هر مکان سه مؤلفه تبیین می‌کند که شامل ویژگی‌های کالبدی، فعالیت‌ها و تصورات است (Canter, 1977).

با اقتباس از نظر کانتر می‌توان چنین قلمداد کرد که کیفیت محیط عبارت است از برآیند این سه مؤلفه به نحوی که هر یک از آنها عهده‌دار برآورده ساختن یکی از کیفیت‌های محیطی است. انسان به تجربه حسی، عاطفی و معنوی خاص نسبت به محیط زندگی نیاز دارد. این تجربیات از طریق تعامل صمیمی و نوعی هم‌ذات‌پنداری با مکانی که در آن سکونت دارد قابل تحقق است (فلاح، ۱۳۸۴). دیگر پژوهشگران نیز با مطالعه و بررسی مجموعه ساختمان‌ها و منازل مسکونی در انگلستان، به وجود نوعی تمایل در رنگ تعلق و تمایز محیطی در ساختمان‌ها اشاره داشته و آن را به خوانایی محیطی تعبیر می‌نمایند. وی از این حس در فضاهای طراحی شده با صفت تمایز و جداسازی نام برده و آن را از خصوصیت‌های اصلی شکل‌گیری فضاهای انسانی پایدار معرفی می‌کند (جوان‌فروزنده و مطلبی، ۱۳۹۰). آلتمن^۳ و لو^۴، علاوه بر تأکید بر نقش اجتماعی مکان، به تعاملات و ارتباطات فرهنگی - اجتماعی در مکان اشاره و تعلق به مکان را از منظر تعلق اجتماعی یعنی گونه‌ای از تعلق به خاطر استفاده‌کنندگان تعبیر نموده‌اند (Low & Altman, 1992) (تصویر ۲).

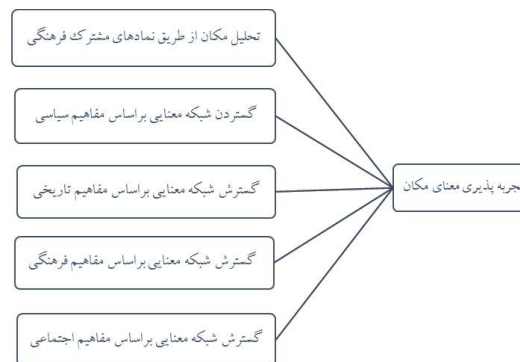
هنگامی که گزینش‌ها در حیطه امکانات به انجام رسید، چارچوب‌های توافق که بالاتر از نمایش دیداری صرف و ساده نشان‌گر نوعی پیچیده و جامع از «عضویت اجتماعی» است،

نگرش فرهنگی به مقوله حس مکان و تعلق به آن، امکان «تجربه کردن» آن را از طریق تحلیل مکان به وسیله «نمادهای مشترک فرهنگی» ممکن می‌سازد. این را می‌توان به تسهیل در ادراک و ماندگاری ارتباط میان مؤلفه‌های شکل‌دهنده به شبکه معنایی ربط داد. مکان را از منظر فرهنگی و هویتی آن بررسی کردن، امکان پویایی و تبادل تجارب انسانی از محیط را فراهم می‌آورد و مضامین فرهنگی را یادآور می‌شود. این در حالی است که در مکان‌های معماری، ارتباط فضا و انسان به «شکل تجربی» آن اتفاق نمی‌افتد. با توجه به پیشینه تاریخی مباحث هویتی و فرهنگی، حس انسانی به یک مکان و تعلق خاطر به آن می‌تواند به شکل شبکه معنایی سیاسی - تاریخی و اجتماعی - فرهنگی هم ایجاد شود؛ این در مورد مکان‌مندی اسطوره‌ای و تاریخی صادق است (Gustafson, 2001) (تصویر ۱).

بررسی معنای معماری خانه

نگاه معنایی به خانه به عنوان یک مکان، سطح بالاتری از معناپذیری مکان است که به منظور بهره‌مندی و تداوم حضور انسان در فضای شکل گرفته معماری، نقش تعیین‌کننده‌ای می‌یابد. در میان نگرش‌های مختلف بررسی معنای خانه، چهار نگرش اصلی عبارتند از دیدگاه سنتی - حکمی، دیدگاه پدیدارشناسی، دیدگاه جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی و علوم اجتماعی، دیدگاه گونه‌شناسی و اقلیمی (جدول ۱).

در میان رویکردهای مختلف بررسی معنای خانه، این پژوهش توجه به نگاه علوم اجتماعی دارد. یکی از روش‌هایی که از دیدگاه علوم اجتماعی به بررسی معنا می‌پردازد روش نشانه‌شناسی است. معنای خانه با رویکرد اجتماعی: از منظر تنوری نیازهای انسانی، حس تعلق برگرفته از نوعی نیاز اجتماعی



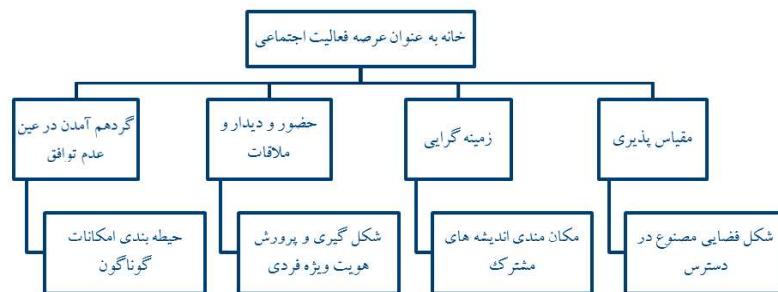
تصویر ۱. ساختار الگوی معنای مکان از نگاه رویکرد اجتماعی (نگارندگان).

جدول ۱. بررسی رویکردهای مطالعاتی به معنای خانه (نگارندگان)

ردیف	رویکردهای اصلی به معنای خانه		
	رویکرد	دیدگاه	نمونه پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه
۱	سنتی - حکمی	- خانه محل اجماع ارتباط انسان با خدا، خود، طبیعت و دیگران - تبیین و آشکارسازی ارزش‌های معنوی و ازلی خانه	مهدی حجت در کتاب مجموعه گفتارهایی درباره خانه، با نگاهی معناگرایانه و انسان‌محور به خانه ایرانی درباره خانه این چنین بیان می‌کند: انسان با چهار ارتباط مهم در زندگی روبه‌رو است: ارتباط انسان با خدا، ارتباط انسان با خودش، ارتباط انسان با طبیعت و ارتباط انسان با دیگران (حجت، ۱۳۸۷).
۲	پدیدارشناسی	- چیستی خانه - هستی‌شناسی سکونت	هایدگر با زاویه نگاه یک فیلسوف به مسئله سکونت نگاه می‌کند، او توجه خاصی به مفهوم واقعی و چیستی خانه دارد (به نقل از علیپور، ۱۳۸۵). نوربرگ شولتز در کتاب مفهوم سکونت به سوی یک معماری تمثیلی درباره سکونت و مفهوم خانه اشاره نموده است. او در این کتاب به بررسی مفهوم سکونت و هستی پرداخته است (شولتز، ۱۳۸۷).
۳	علوم اجتماعی	- چگونگی ارتباط بین انسان و محیط خانه نشأت گرفته از عوامل اجتماعی، فرهنگی - نهادی با عملکرد چندبعدی متأثر از اجتماع، فرهنگ، آیین‌های مذهبی، اقتصاد و اوضاع محیطی	کوپر مارکوس در مقاله «خانه، نماد خویش» با استفاده از نظریه‌های روانشناسی یونگ با نگاه ژرف‌تر در رابطه روان انسان با محیط به‌ویژه خانه، در عمق روان انسان و در تاریخ، به ریشه‌دار بودن مفهوم نمادین خانه در روان انسان اشاره می‌کند (کوپر مارکوس، ۱۳۸۲). در اندیشه آموس راپاپورت میل به اسکان گزیدن از ویژگی‌های زیربنایی رفتار انسان است. آموس راپاپورت با روش انسان‌شناسانه، چگونگی ارتباط بین انسان و محیط را مورد کاوش قرار داده است و معتقد است که نقش تعیین‌کننده فرم خانه از عوامل اجتماعی، فرهنگی نشأت می‌گیرد و این موضوع را به اثبات رسانده است (راپاپورت، ۱۳۸۸).
۴	گونه‌شناسی - اقلیمی	- ساختار و حجم توده - نگاه اقلیمی و زیست محیطی به خانه	غلامحسین معماریان نیز در دو کتاب خود با عنوان آشنایی با معماری مسکونی ایران در دو مجموعه گونه برون‌گرا و گونه درون‌گرا، به بررسی معماری مسکونی سنتی ایران پرداخته و خانه‌های سنتی ایران را بر اساس اقلیم و فرهنگ دسته‌بندی کرده است (معماریان، ۱۳۸۷).

منی بر آنچه که جامعه و عموم در آن سهیم هستند، «سکونت عمومی» خواند. از آنجا که بنای خانه مجموعه‌ای از باورها و ارزش‌ها را در خود می‌گنجاند، باید در قالب توضیحی که روشن‌گر جهان عام و مشاع است، ظاهر گردد. سکونت، آن گوشه‌گیری که لازمه شکل‌گیری و پرورش هویت ویژه فردی است را هم شامل می‌شود. خانه، فضای سکونت، نهاد خانواده به همراهی یکدیگر محیط کل یعنی، جایی که سکونت به صورت

نهاد می‌شوند. بدین ترتیب، توافق بیان‌گر ارزش‌ها و منافع مشترک بوده و بنیادهای عضویت اجتماعی و جامعه را می‌افکند. علاوه بر این، توافق می‌باید نیت دست‌یابی به یک دیدارکده عمومی یا مکانی که ارزش‌های مشترک در آن نگهداری شده و به منصه ظهور می‌رسند را نیز در خود بگنجاند. چنین جایی را معمولاً نهاد یا بنای عمومی نامیده‌اند. از این رو شیوه سکونتی را که در خدمت آن قرار می‌گیرد، می‌توان به یاری واژه عمومی،



تصویر ۲. ساختار الگوی خانه از نگاه رویکرد اجتماعی (نگارندگان).

طبیعی، مجتمع، عمومی و خصوصی خود در آن رخ می‌دهد را به وجود می‌آورند (Gottmann, 1995).

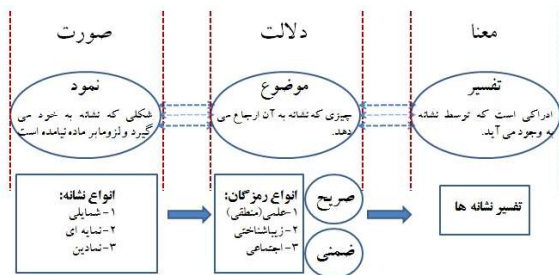
نشانه‌شناسی لایه‌ای و لایه‌های معنایی در معماری

نشانه‌شناسی دانشی است که آثار و نشانه‌ها را چون بخشی از زندگی اجتماعی مورد پژوهش قرار می‌دهد و مطالعه منظم و سامان‌مند همه مجموعه عوامل مؤثر در ظهور و تأویل نشانه‌ها را نشانه‌شناسی می‌نامند. آنچه لازم به ذکر است این‌که نشانه‌ها به تنهایی معنادار نیستند و فقط وقتی که در ارتباط با یکدیگرند، تفسیرپذیر هستند (ضمیران، ۱۳۸۳). سوسور^۵ نشانه را اینگونه بیان می‌کند که از ترکیب دال (تصویر آوایی واژه) و مدلول (تصویر ذهنی و مفهومی واژه) شکل می‌گیرد و از یک ساختار متقابل و همبسته برخوردارند که دلالت خوانده می‌شود. نشانه‌شناسی به عنوان یکی از روش‌های واکاوی متن، به دنبال واکاوی متون در حکم کلیت‌های ساختمند و در جست‌وجوی معانی پنهان و ضمنی است (به نقل از چندلر، ۱۳۸۶). هر متن از لایه‌های متعدد و هم‌نشین با یکدیگر تشکیل شده، که دارای پیام‌هایی هستند که در نهایت به رمزگان‌های آن ختم می‌شود. تولید و تفسیر متون به وجود رمزگان یا قراردادهای ارتباطی بستگی دارد. بنابراین معنای نشانه به رمزی که در آن قرار گرفته، بستگی دارد. منظور از رمزگان، مجموعه نشانه‌هایی است که میان ارسال کننده پیام و دریافت کننده آن پیوند برقرار می‌کند. براساس طبقه‌بندی «پیرس»^۶ سه نوع رمزگان در دانش نشانه‌شناسی قابل تعریف است که عبارتند از: رمزگان علمی (منطقی)، اجتماعی و زیباشناختی (Danesi, 2007). مخاطب (تفسیرگر) از طریق رمزگان‌ها و معانی حاصل از متن و با توجه به عمق و سطح دریافت و برداشت‌های ذهنی خود، مفهوم‌سازی می‌کند. در لایه‌های متن، عناصر منفرد آن در ارتباط دلالت‌های یک به یک و ضمنی، دلالت معنایی عمیق‌تر و شاخص‌تری را تولید می‌کنند. دلالت معنایی شامل زیر دلالت مستقیم و ضمنی، رمزگان موجود در طرح، تفسیر مخاطب، معناسازی برای طرح، بازی دال‌ها، توجه به مفاهیم استعاره‌ای و کنایی طرح می‌شود (چندلر، ۱۳۸۶). هم‌زمان با سوسور، پیرس اصطلاح نشانه را مطرح و به معرفی انواع نشانه پرداخت. او فرایند نشانگی را مبتنی بر روابط سه‌گانه: ۱. نشانه (صورت ظاهر) ۲. تعبیر (معنایی که از نشانه دریافت می‌شود) ۳. مصداق (ارجاع نشانه به آن) بیان می‌کند (احمدی، ۱۳۸۶) (شکل ۳).

نشانه‌شناسی به عنوان حیطه شناخت معنا از معماری به

وجوه کاربردی، نحوی و معنایی آن می‌پردازد. «شاخه کاربردی نشانه‌شناسی به واسطه نوع عملکردها، نوع فعالیت اجتماعی را مورد تحلیل قرار می‌دهد. نشانه‌شناسی کاربردی در کالبد و پیکره فضای معماری معنا می‌یابد. الگویی الگوها رفتار اجتماعی (به عنوان مدلول) وجه غالب و پراهمیت سیرکلاسیون معماری را در شکل کالبدی (دال) متجلی می‌سازد. به عبارتی دیگر، سازمان‌دهی کالبدی پلان به همراه ترکیب دیوارها در عرصه‌بندی یک بنای خصوصی یا حتی عمومی در معماری، بر تنوع فعالیت‌ها و عملکردها دلالت دارد» (رئسی، ۱۳۸۹: ۶۰). بازشناسی ماهیت فرهنگ، شاکله بنای معماری پایدارمانده را در گذر زمان، از طریق امکان بازشناسی عناصر پایدار از عناصر ناپایدار در بستر تاریخی خود مورد مذاقه قرار داده است (جدول ۲).

منظور از نشانه‌شناسی در معماری، دست‌یابی و شناخت معانی فراتر از دلالت کارکردی معماری است و عملاً به منش ارتباطی معماری که ریشه در روابط اجتماعی-فرهنگی داشته، توجه می‌شود. در تقسیم‌بندی انواع نشانه‌شناسی که عبارتند از پوزیتیویستی^۷، ساختارگرایانه^۸، پساساختارگرایانه و پیدایشی (لایه‌ای) روش این پژوهش با توجه به موضوع از نوع نشانه‌شناسی لایه‌ای است. در نشانه‌شناسی لایه‌ای، مفهوم نشانه به دنبال مفهوم متن می‌آید. در واقع امر، متن طرح حاصل هم‌نشینی بین رمزگان‌ها نیست، بلکه حاصل هم‌نشینی بین لایه‌ها است. لایه‌هایی که هرکدام براساس انتخاب از آن رمزگان در کنشی ارتباطی، امکان محقق شدن پیدا می‌کنند (سجودی، ۱۳۸۸). هر طرح معماری را می‌توان به عنوان یک متن بیان کرد. معماری به عنوان یک متن محصول یک فرایند زایشی است که از برهم‌کنش ایده‌ها، ارزش‌ها، حوزه‌ها و شناخت محیطی مؤلف شکل گرفته و مخاطب در زمان روبه‌رو شده با آن سعی در دریافت پیام متن و با توجه به آموزه‌های ذهنی خود به پردازش و خوانش متن می‌پردازد. کلمه‌های این متن، عناصر ساختاری، ساختمان‌ها،



شکل ۳. ساختار الگوی سه‌وجهی نشانه براساس دیدگاه پیرس (نگارندگان).

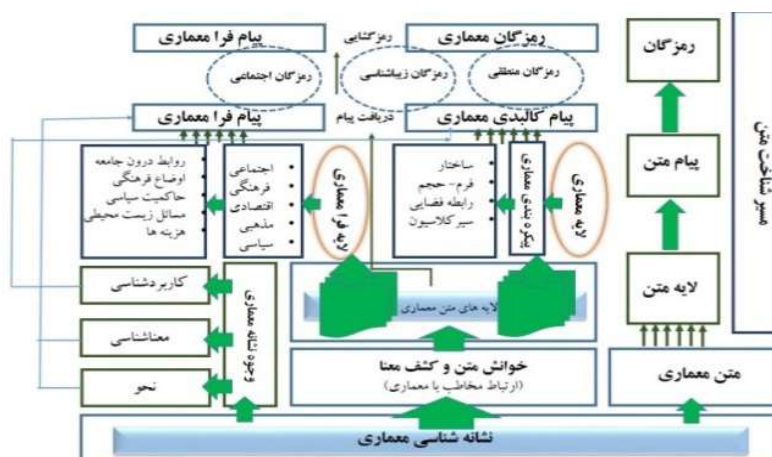
جدول ۲. وجوه نحوی و معنایی نشانه‌شناسی معماری برگرفته از مقاله فلاحت و نوحی، ۱۳۹۱ (نگارندگان).

ردیف	وجه نحوی و معنایی نشانه‌شناسی معماری
۱	وجه نحوی نشانگی در معماری
۲	وجه معنایی نشانگی در معماری
۳	ادراک زبان‌شناسانه معماری در ترکیبی کیفی
۴	وجه کاربردی نشانه‌شناسی در معماری
۵	وجه نحوی نشانه‌شناسی در معماری
۶	وجه معنایی نشانه‌شناسی در معماری

بنابراین متن معماری نیز دارای لایه‌های متعددی است که از آن پیام‌هایی استنباط می‌گردد و در نهایت به رمزگان منتهی می‌شود. لایه‌های متن معماری را می‌توان در دو دسته کلی، لایه‌های معماری و لایه‌های فرامعماری تقسیم‌بندی کرد که لایه‌های معماری به ساختار، فرم و حجم، رابطه فضایی، سیرکلاسیون و در نهایت پیکره‌بندی معماری می‌پردازد، که از آنها پیام‌های کالبدی دریافت می‌گردد و لایه‌های فرامعماری به مباحث فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی پرداخته می‌شود که از آنها پیام‌های فرامعماری استنباط می‌گردد. هرکدام از این پیام‌ها در قالب رمزگانی ارائه می‌شوند و مخاطب به دنبال رمزگشایی این پیام‌هاست تا بتواند متن معماری را قرائت کرده و برای آن معنا بسازد. در قسمت رمزگشایی نیز پیام‌های کالبدی به رمزگان انتزاعی معماری و پیام‌های فرامعماری به رمزگان ضمنی منتهی می‌شود (شکل ۴).

توده و احجام، فضاهای جمعی، فضاهای باز، راه‌های دسترسی و گره‌ها هستند که ضمن وابستگی معنایی به هم یک کلیت واحد را عرضه می‌کنند و از طریق رمزگان علمی (منطقی)، زیباشناختی و اجتماعی پیام خود را انتقال می‌دهند، بنابراین آنچه در معماری به عنوان عامل معنا ساز نشانه قابل شناسایی است، در هر سه قالب شمایل، نمایه و نماد می‌تواند نمود یابد.

در معماری سه سری (سه دسته سامانه) با یکدیگر گره می‌خورند که عبارتند از: ۱. سامانه مبتنی بر مقتضیات اجتماعی؛ ۲. سامانه مبتنی بر مقتضیات کارکردی؛ ۳. سامانه مبتنی بر فرم معماری و مسائل پیرامون آن. دسته اول رویکردی فرامعماری داشته و پیرامون مسائل جامعه‌شناسی، فرهنگ، انسان‌شناسی، لایه ارتباطی معماری را تشکیل داده‌اند. دو سیستم دیگر از جنس معماری و فضای آن هستند. معنا سازی معماری از برهم‌کنش این سه حادث می‌شود. با توجه به مطالب گفته شده



شکل ۴. شناخت متن معماری، نشانه‌شناسی روشی برای معنا سازی متن (نگارندگان).

روش پژوهش

روش پژوهش براساس مدلی که دانایی فرد و همکاران در سال ۱۳۸۳ ارائه کرده‌اند بیان شده است. این الگوی چندلایه، فرایندهای انجام پژوهش را نشان می‌دهد. براساس این مدل، یک پژوهش از لایه‌های مختلفی تشکیل می‌شود که در آن هر لایه متأثر از لایه بالاتر است (جدول ۳).

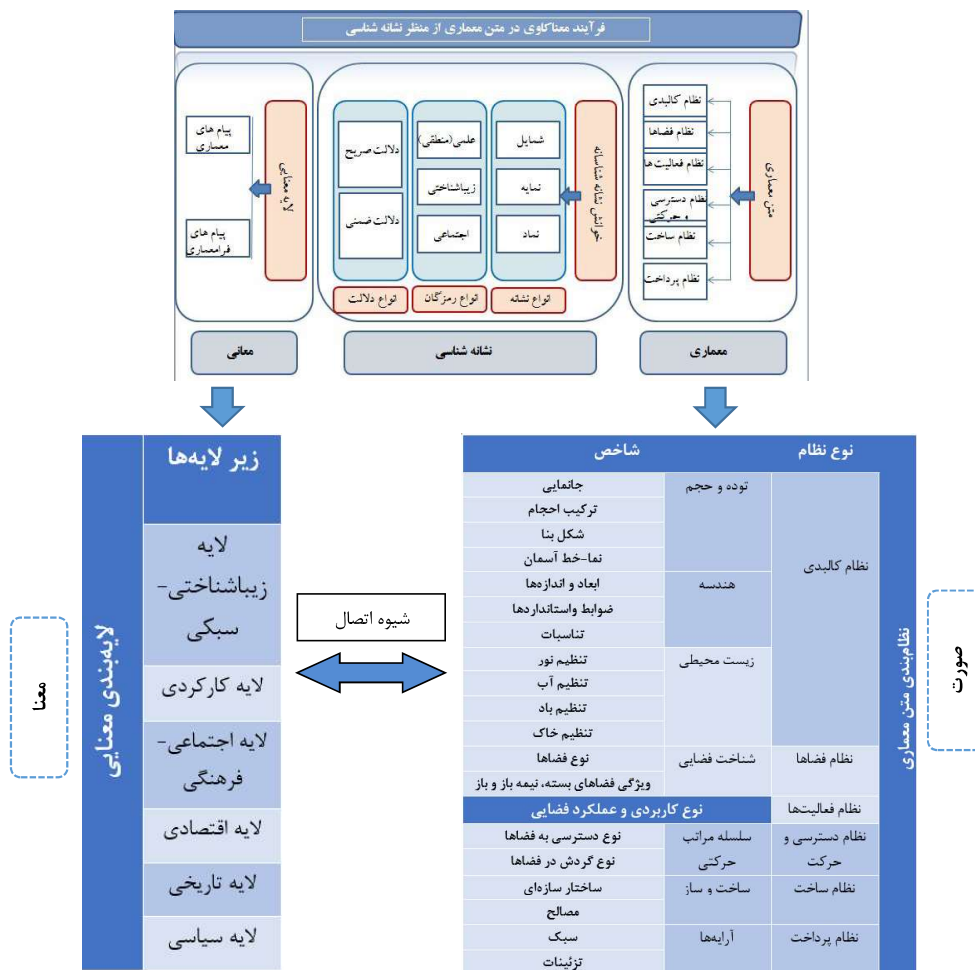
معرفی نمونه‌های منتخب

همدان به عنوان یکی از کهن‌ترین پایتخت‌های ایران، از قدمت چند هزار ساله‌ای برخوردار است اما آثار باقیمانده در آن غالباً مربوط به دورهٔ قاجار و پس از آن است. در این میان بیشتر این آثار خانه‌ها هستند. در بررسی گونه‌شناسی خانه‌های شهری همدان براساس بازه زمانی مطرح شده از نگاه کالبدی، خانه‌ها به سه گونه متمایز تقسیم‌بندی می‌شوند که عبارتند از: گونه درون‌گرای قاجاری، گونه التقاطی و گونه برون‌گرای پهلوی که خانه‌های خلبانی، سیفی و شریفی، خانهٔ ابراهیم شرفی، خانهٔ سماوات، خانهٔ تاج‌بخشیان، خانهٔ پوستی‌زاده، خانهٔ ضرابی و خانهٔ صمدیان، در ردیف گونه‌های التقاطی قرار می‌گیرند و در خصوص نحوه استقرار بنا در هرگونه به دستهٔ یک طرفه، دو طرفه، L شکل، U شکل و چهار طرفه تقسیم‌بندی می‌شوند (زارعی، حاتمی‌مجد و محمدیان‌منصور، ۱۳۹۷). در نمونه‌های انتخاب شده در این پژوهش سعی گردیده که نمونه‌ها از نظر گونه، جهت و استقرار یکسان انتخاب شوند. گونه خانه‌های ضرابی و صمدیان با توجه به مطالب گفته شده در شرایط یکسانی نسبت به هم هستند (شکل ۶).

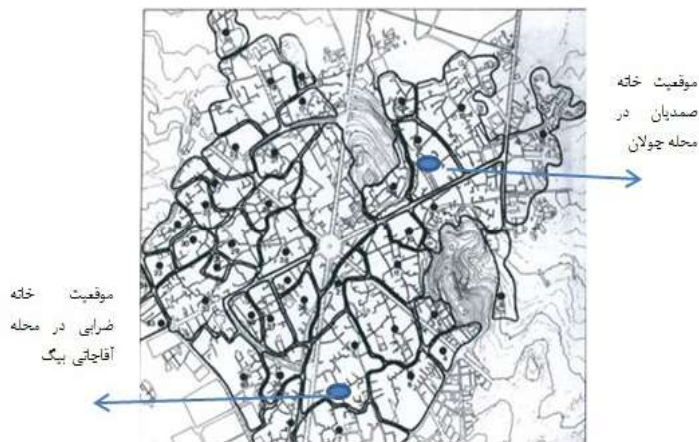
خانه نیز به عنوان یک متن از لایه‌های متعددی تشکیل شده است که هر یک نمود عینی و متنی یک نظام رمزگان هستند و هر لایه متنی با لایه‌های متنی دیگر رابطه دارد. لایه‌های متنی خانه در تعامل با یکدیگر و در تأثیر متقابلی که از هم می‌پذیرند، به عنوان متن و عینیت ناشی از یک نظام دلالت‌گر تحقق می‌یابند و تفسیر می‌شوند. باز نمود اندیشه‌های نشانه‌شناسی در واکاوی متن معماری، هر متن به حامل پیام و یا مجموعه‌ای از رمزگان‌ها بوده که به وسیله روابط دلالتی و روابط درون متنی به مخاطب انتقال داده می‌شوند. مخاطب نیز با توجه به شبکه شکل‌دهنده متن، لایه‌ها، روابط درون متنی و از طریق قراردادهای اجتماعی و فرهنگی و برداشت‌های ذهنی خود، به دریافت و رمزگشایی و معناسازی برای متن، همت می‌گمارد. نشانه‌های طرح از طریق رمزگان فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، زیبایی‌شناختی و غیره در طرح معماری جای دارند. با توجه به چرخه تفسیر در فرایند نشانگی، نقش نشانگی و نظام نشانگی، متن معماری دارای چندین نظام نشانگی است که به صورت روابط همنشینی و هم‌زمانی با یکدیگر، متن لایه‌گون معماری را شکل می‌دهند. این نظام‌ها به وسیله روابط دلالتی و روابط درون متنی، پیام‌ها و مجموعه‌ای رمزگان خود را به مخاطب انتقال می‌دهند. دلالت‌ها هم به عنوان شیوه اتصال بین صورت و معنا نمود پیدا می‌کنند و نقش ارتباطی بین آنها می‌باشند. در نهایت با جمع‌بندی مطالب ارائه شده و بررسی آنها، به یک مدل ارزیابی در جهت خوانش متن معماری از منظر نشانه‌شناسی به دست می‌آید که به عنوان فرایند معناکاوی در متن معماری مطرح می‌شود که در «شکل ۵» به آن پرداخته شده است.

جدول ۳. روش پژوهش براساس مدل ساندرز (نگارندگان).

ردیف	لایه پژوهش	نوع پژوهش
۱	فلسفه پژوهش	پارادایم تفسیرگرا
۲	جهت‌گیری پژوهش	نظری
۳	رویکرد پژوهش	تطبیقی
۴	روش‌شناسی پژوهش	کیفی
۵	روش گردآوری داده‌ها	میدانی و کتابخانه‌ای
۶	راهبرد پژوهش	تحلیل محتوا - کیفی (شیوه تحلیل نشانه‌شناسی)
۷	اهداف پژوهش	توصیفی - تحلیلی
۸	ابزار گردآوری داده‌ها	مشاهده - اسناد و مدارک



شکل ۵. فرایند معناکاوی متن معماری از منظر نشانه‌شناسی، (نگارندگان)



شکل ۶. موقعیت خانه‌های صمدیان و ضرابی در سال ۱۳۳۵ خورشیدی، برگرفته از نقشه‌های قدیمی شهر همدان از کتاب *ماندالا کنالکس* (۱۹۷۳)، (نگارندگان).

یافته‌های پژوهش

فضا چیزی بیشتر از صحنه در اثر هنری است. محور است که مکان بر حول آن می‌چرخد. فضای معماری مجموعه‌ای پویاست که همواره فرایند زایش معنا در آن رخ می‌دهد. نشانه‌شناسی علم پژوهش در نظام‌های دلالت معنایی است (سوسور، ۱۳۷۸). زبان یکی از این سامانه‌ها است (دانش‌پور، رضازاده، سجودی و محمدی، ۱۳۹۲). دغدغه نشانه‌شناسی در تصویر، تبیین و واکاوی تصویر در چارچوب نظام‌های دلالتی معطوف است. شاخه‌های گوناگون نشانه‌شناسی می‌توانند به تبیین هرچه بیشتر رفتارهای شهری بپردازند. مهم در این میان، پرداختن به گفت‌وگو بین لایه‌های متن با خود و کل متن با پیرامون خود است. معماری به مثابه یک پوسته، در تقابل با درون‌مایه و مفهوم آن نیست؛ بلکه همچون هاله‌ای درون‌مایه و مفاهیم هر اثر هنری را در بر گرفته است. طراح با کمک نشانه‌ها، مخاطب را به اندیشه‌های نهفته در طرح خود می‌کشاند تا مخاطب معماری به جست‌وجو برای یافتن درون‌مایه‌های آن بپردازد (لنگ، ۱۳۸۶). نشانه‌شناسی با رویکردهای ساختارگرا، تأکید بر روابط میان اجزای متن دارد (رویکرد ساختارگرا). روابط بین اجزای متن یا طرح نشان‌دهنده ساختار است.

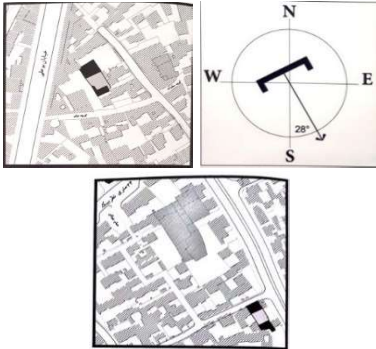
رویکرد ساختارگرا در نشانه‌شناسی، بر مبنای تشخیص اجزای نظام نشانه‌شناختی (واکاوی) می‌تواند به واکاوی کنش و کنش‌گران در متن معماری و روابط بین آنها بپردازد (رئسی، ۱۳۸۹). محورها هم‌نشینی و جانشینی به صورت عمودی و افقی قابلیت جانمایی دارند. محور هم‌نشینی به صورت عمودی

و محور جانشینی به صورت افقی به همراه تقابل‌های معنادار و متضاد هستند (نیلاندر، ۱۳۹۰). تحلیل‌ها در این میان به صورت هم‌زمانی صورت می‌گیرد. رویکرد پساساختارگرا در نشانه‌شناسی، نوعی واسازی ساختارگرایانه را هم با خود دارد که براساس برهم کنش‌های متنی میان رمزگان و لایه‌های متن به ارتباط اجزاء متن با هم و با متن‌های دیگر می‌پردازد (ترامنتیت). به معناکاوی نمونه‌های مورد مطالعه و واکاوی متن معماری به روش نشانه‌شناسی در جداول زیر پرداخته شده است (جدول‌های ۴، ۵ و ۶).

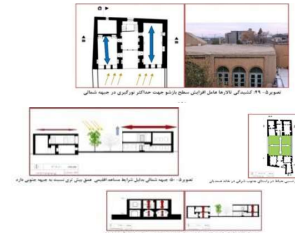
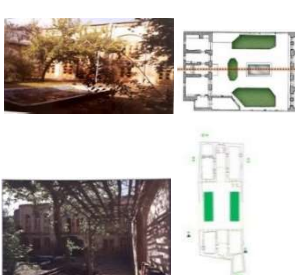
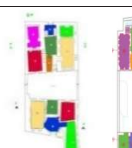
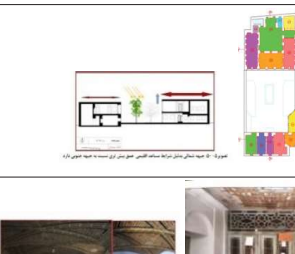
جدول ۴. واکاوی نشانه‌شناختی فضا در معماری (نگارندگان).

واکاوی نشانه‌شناختی فضا در معماری	
۱	دگرگونی در اندازه‌ها
۲	جانشینی عناصر دیگر در ساخت
۳	دگرگونی در محور هم‌نشینی عناصر فضایی و عناصر ساختی
۴	کاربرد ساخت‌مایه‌ها با کارکردهای دیگر
۵	آشکارسازی بخش‌های پنهان در ساخت
۶	کاربست دگرگون از ساخت‌مایه‌های کهن یا آشنا
۷	استعاره، مجاز و ایهام در مجاز از کل به جزء، عامل اثرگذار در آوردن عنصر مجاز از کل معماری به شمار می‌آیند
۸	استعاره و تشبیه به مفاهیم دیگر
۹	کاربرد عناصر در جایی غیر از جای خود
۱۰	برجسته‌سازی بافت
۱۱	ایجاد تقابل

جدول ۵. واکاوی نمونه‌ها براساس فرایند معناکاوی (نگارندگان).

واکاوی دو بنای منتخب براساس فرایند معناکاوی				فصلنامهٔ معماری
شاخص‌ها	ویژگی‌ها	تصاویر	دلالت‌های معنایی	
نظام کالبدی فرم و حجم استقرار و جانمایی	- قرارگیری در مرکز محله (قرارگیری خانه ضرابی در مرکز محله آقاجانی بیک و خانه صمدیان در محله جولان) - جهت‌گیری بنا به سمت جنوب با زاویه ۲۸ درجه به سمت شرق (رون کرمانی) - درون‌گرا بودن ساختمان - ترکیب احجام (پر و خالی)		معنای صریح: ۱. استفاده از حداکثری نور و انرژی خورشید در فصول سرد؛ ۲. ایجاد محرمیت؛ ۳. ایجاد منظر مناسب به سمت حیاط و استفاده از عناصر طبیعت موجود در حیاط. معنای ضمنی: ۱. ادراک طبیعت در محیط انسان ساخت و سازگار با محیط؛ ۲. تأمین آسایش و آرامش جسمی و روانی انسان؛ ۳. انسجام فضایی و خوانایی؛ ۴. افزایش سطح تعاملات اجتماعی.	

جدول ۵. واکاوی نمونه‌ها براساس فرایند معناکاوی (نگارندگان).

واکاوی دو بنای منتخب براساس فرایند معناکاوی				نظام‌های معماری
شاخص‌ها	ویژگی‌ها	تصاویر	دلالت‌های معنایی	
هندسه	تناسبات، ابعاد و اندازه نما		معنای صریح: - استفاده حداکثری فضا براساس نوع بهره‌وری؛ - همانگی فضاهای نسبت به یکدیگر؛ - تعادل و تقارن در نما. معنای ضمنی: - احترام گذاشتن به حریم و مقیاس انسانی؛ - تأمین آسایش و آرامش جسمی و روانی انسان؛ - انسجام فضایی و خوانایی؛ - افزایش سطح تعاملات اجتماعی.	نظام کالبدی
زیست محیطی	نورده و حریم		معنای صریح: - استفاده حداکثری از انرژی خورشید، باد و آب؛ - تأمین نیازهای مادی انسان؛ - ایجاد منظر مناسب؛ معنای ضمنی: - طراحی اکولوژیکی و هم‌ساز با محیط؛ - تأمین آسایش و آرامش جسمی و روانی انسان؛ - انسجام فضایی و خوانایی؛ - افزایش سطح تعاملات اجتماعی؛ - استفاده از نور در جهت عرفانی کردن فضا؛ - استفاده از آب در جهت پاکیزگی و پاک شدن؛ - خاک نماد جوهره انسان (انسان از خاک است و به خاک بر می‌گردد).	نظام فضایی
شناخت فضایی	نوع فضاهای		معنای صریح: - تأمین فضاهای مورد نیاز در خانه. معنای ضمنی: - مکانی جهت سکونت؛ - حس دل‌بستگی به مکان.	نظام فضایی
ویژگی‌های فضایی	- ویژگی‌های فضای بسته، باز و نیمه باز - سازمان‌دهی بین فضاهای بسته و باز		معنای صریح: - ترتیب جانمایی فضاهای داخلی و سلسله مراتب حرکتی؛ - محصور شدن و محفوظ بودن؛ - تنوع فضایی. معنای ضمنی: - طراحی اکولوژیکی و هم‌ساز با محیط؛ - تأمین آسایش و آرامش جسمی و روانی انسان؛ - انسجام فضایی و خوانایی؛ - افزایش سطح تعاملات اجتماعی؛ - توجه به ساختار خانواده (توجه به طیف سنی و وظایف خانواده در کنار هم).	نظام فضایی
عرصه‌بندی	- تفکیک فضاهای براساس اصلی و فرعی بودن - تابستان نشین بودن و زمستان نشین بودن		معنای صریح: - تأمین نور و انرژی خورشید جهت گرم کردن - ایجاد نثار و سایه‌اندازی به جهت خنک کردن فضا معنای ضمنی: - مکانی جهت سکونت - تأمین آسایش و آرامش جسمی و روانی انسان - اهمیت و ارزش قائل شدن به فضاهای اصلی	نظام فعالیت
عملکرد فضاهای	- جانمایی عملکردهای مسکونی در طبقه اول - جانمایی عملکردهای خدماتی در طبقه همکف			

جدول ۵. واکاوی نمونه‌ها براساس فرایند معناکاوی (نگارندگان).

واکاوی دو بنای منتخب براساس فرایند معناکاوی				نظام‌های معماری
شاخص‌ها	ویژگی‌ها	تصاویر	دلالت‌های معنایی	
نظام دسترسی	دسترسی‌ها - ارتباطات فضایی		معنای صریح: ۱. درجه‌بندی فضاها؛ ۲. سهولت در حرکت و دسترسی به فضاها؛ ۳. محرمیت و عدم مشرفیت. معنای ضمنی: ۱. انسجام فضایی و خوانایی؛ ۲. تأمین آسایش و آرامش جسمی و روانی انسان؛ ۳. اهمیت و ارزش قائل شدن به فضاهای اصلی؛ ۴. افزایش سطح تعاملات اجتماعی.	حرکت فضایی
	گودش فضایی		۱. سیرکلاسیون حرکتی از فضای باز (حیاط) به نیمه باز (ایوان) و در نهایت بسته ۲. حرکت از برون به درون (اندرونی و بیرونی)	
نظام ساخت	ساختارسازی		۱. استفاده از دیوارهای ضخیم برای احداث بناها ۲. سقف‌های ضخیم چند لایه چوبی و کاهگلی ۳. استفاده از طاق و قوس در جهت استحکام سقف	ساخت و ساز
	مصالح		آجر، کاهگل و سنگ مصالح اصلی بناها	
نظام پرداخت	سبک		۱. گونه التقاطی (ترکیب معماری دوره قاجار و پهلوی). ۲. درون‌گرایی معماری دوره قاجار ۳. قرارگیری پله در داخل بنا بر گرفته از سبک اروپایی	آرایه‌ها
	تزئینات		۱. توجه به پوشش و رویه کار ۲. توجه به ارزش‌های معنوی؛ ۳. تجلی ارزش‌های دینی؛ ۴. عدم جلب توجه و محفوظ ماندن از تجاوزات؛ ۵. ورود نگرش‌های جهانی بر ساختار بنا.	

جدول ۶. واکاوی نمونه‌ها براساس فرایند معناکاوی متن معماری به روش نشانه‌شناسی (نگارندگان).

خوانش خانه شهری از منظر نشانه‌شناختی				نمونه‌های منتخب
زیر لایه			دلالت	
فضایی برای اسکان، استراحت و دورهمی	کارکرد بنا	لایه کارکردی	کنایه به مکانی برای سکونت	معناسازی
	اجزا			
	رابط کارکردی میان اجزاء			
سنتی	حجم	لایه زیبایی‌شناختی	بازی دال‌ها به صورت ضمنی	بازی دال‌ها
ساختار سنتی و تاریخ‌گرا	فرم			
ساختار سنتی و تاریخ‌گرا	فضا		ضمنی، نمایه‌ای و استنتاجی	ترفندهای بلاغی
سنتی و تاریخی	تناسبات			
سنتی و تاریخی	روح مکان			
سنتی و تاریخی	آرایه‌ها			
رابطه هماهنگ بیان سنتی یا یافت سنتی	رابطه با بافت		لایه اجتماعی	دریافت از مکان سکونت به صورت استدلالی
توجه به قراردادهای اجتماعی	روابط درون فرهنگی			
تأکید بر اندیشه غالب در طراحی خانه	کثرت اندیشه‌ها			
سازگار	زیست محیطی			
توجه به عناصر بومی و کهن الگوهای ایرانی	اقلیم و بوم			
مطلوب	هزینه‌های اجرایی	لایه اقتصادی	تشبیهی	دلالت‌های ضمنی
مناسب	سیستم با رویکرد اقتصادی			
مناسب	مصلح با رویکرد اقتصادی		رابطه بینامتنی با سکونتگاه‌های سنتی	روابط بینامتنی
کاربری مسکونی و شخصی	هزینه نگهداری			
فضایی برای اسکان، استراحت و دورهمی	کارکرد بنا	لایه کارکردی	کنایه به مکانی برای سکونت	معناسازی
	اجزا			
	رابط کارکردی میان اجزاء			
سنتی	حجم	لایه زیبایی‌شناختی	بازی دال‌ها به صورت ضمنی	بازی دال‌ها
ساختار سنتی و تاریخ‌گرا	فرم			
ساختار سنتی و تاریخ‌گرا	فضا		ضمنی، نمایه‌ای و استنتاجی	ترفندهای بلاغی
سنتی و تاریخی	تناسبات			
سنتی و تاریخی	روح مکان			
سنتی و تاریخی	آرایه‌ها			
رابطه هماهنگ بیان سنتی یا یافت سنتی	رابطه با بافت		لایه اجتماعی	دریافت از مکان سکونت به صورت استدلالی
توجه به قراردادهای اجتماعی	روابط درون فرهنگی			
تأکید بر اندیشه غالب در طراحی خانه	کثرت اندیشه‌ها			
سازگار	زیست محیطی			
توجه به عناصر بومی و کهن الگوهای ایرانی	اقلیم و بوم			
مطلوب	هزینه‌های اجرایی	لایه اقتصادی	کنایی	دلالت‌های ضمنی
مناسب	سیستم با رویکرد اقتصادی			
مناسب	مصلح با رویکرد اقتصادی		رابطه بینامتنی با فرم عام خانه	روابط بینامتنی
کاربری مسکونی و شخصی	هزینه نگهداری			

با توجه به داده‌های به دست آمده از جداول فوق و هر آنچه در زمینه معناکاوی متن معماری به روش نشانه‌شناسی در این پژوهش به آن پرداخته شد، می‌توان اندیشه‌های فرهنگی اثرگذار بر معنای خانه به منظور ارائه بیانی جهانی - محلی را در این بخش ارائه کرد که نکات مهم در این مبحث در «جدول ۷» آورده شده است.

جدول ۷. اندیشه‌های فرهنگی اثرگذار بر معنای خانه به منظور ارائه بیانی جهانی - محلی (نگارندگان).

اندیشه‌های فرهنگی اثرگذار بر معنای خانه به منظور ارائه بیانی جهانی - محلی			ردیف
۱	گسست تاریخی خانه‌ها بعد از دوره قاجار	ریشه اصلی بیان جهانی - محلی مورد توجه معماران	
	حاصل کشاکش ما بین سنت و مُدرنیسم		
۲	میراث فرهنگی، بسترهای محلی، جامعه‌شناسی و فلسفه ایرانی - اسلامی	جهت‌دهی طرح‌های معماری خانه معاصر	
۳	نگاه شکل‌گرا و نگاره‌ای (Iconic)	در دهه چهل و پنجاه شمسی به بهترین شکل ارائه شده است. اشاره‌های مستقیم به موتیف‌ها، عناصر، فضاها، شکل‌ها و حجم‌های خانه سنتی	
		باید به دنبال زبانی جدید باشیم. زبانی جدید محسوب نمی‌شود.	
۴	بازخوانی ارزش‌های ماندگار در درون‌مایه و کالبد معماری خانه ایرانی با توجه به تئوری‌های موجود ب ج د ه و	الف	خانه ایرانی، دارای صفت نمایانی ارزشی، مفهومی، نمادین و کارکردی است.
		عناصر زیباشناسی رکن اصلی خانه ایرانی را شکل می‌دهند.	
		آهنگ، وزن، ریتم، تناسبات، هماهنگی در رنگ و بافت در حجم، شکل، فرم، سطح و پلان خانه ایرانی	
		بیان مفاهیم پس‌پرده در خانه ایرانی به انتزاعی‌ترین شکل.	
		انتقال معانی به انسان در خانه ایرانی از طریق حس آرامش، وقار، خلوص، آزادگی به وسیله تقارن، تضاد، کثرت، وحدت و سلسله‌مراتب.	
		خانه ایرانی در برابر پدیده‌های طبیعی، محیط‌زیست، ارتباط با پیوندهای اجتماعی - فرهنگی، محیطی و مشخصات فنی دارای کالبدی سازگار است. سازگاری با محیط یکی از ارکان معماری خانه‌های ایرانی است.	
		خانه‌های ایرانی در ورای بیان خود دارای حرف نگفته و پنهان است. ساحت پنهان، معنای غایب، مدلول ضمنی، بازی با معنا مفاهیم فرهنگ و معماری ایرانی هستند.	
۵	اندیشه‌های پیشرو در ذهن معماران از طریق ابزار دهکده جهانی منتشر می‌شود و با دیدگاه متعصبانه نمی‌توان از آنها صرف نظر کرد.		
۶	جهان - وطن، حرکتی خطی و متناوب میان اندیشه حاکم بر دنیای امروز و اندیشه حاکم بر هویت فرهنگی بوده و خالی از تعصب و گرایش نسبت به تعصب جهانی یا غرب‌زدگی و تعصب محلی یا تحجر است. جهان - وطن یا نگاه جهانی - محلی محصول برقراری پیوند عمیق میان مکان و زمان است.		

نتیجه‌گیری

هر متن، یک نظام و شبکه دلالتی را به روی مخاطب می‌گشاید. هر جزء، یک نشانه است که مخاطب را به بازنویسی و بازتولید متن دعوت می‌کند. بنای معماری مشابه یک متن قابل خوانش است و خواندن متن در واقع تأویل نشانه‌های آن توسط یک کاربر هرکدام از اجزای این شبکه وسیع به عضوی دیگر اشاره دارند.

است. فرهنگ - خانه، مقوله‌ای تجربی، عینی، متکثر و متنوع از جنبه‌های مادی و نمادین نیاز اصلی انسان برای ادامه دادن به حیات است. بنابراین، خانه به عنوان یک ساختار زنده، برگرفته از سازه اجتماعی - فرهنگی است که مهم‌ترین وجه فرهنگی آن، نقش و تأثیر خانه در تثبیت و شکل‌دهی به هویت فردی و جمعی است. پس خانه برساخته سازه‌ای اجتماعی و فرهنگی است. زیرا انسان نیازمند محلی برای اتکاء و سرپناهی برای آرمیدن و آسایش است.

همچنین ارزش‌های فرهنگی اثرگذار بر معنای خانه، می‌توانند مبنای شکل‌گیری زبان جدید معماری خانه‌های معاصر قرار گیرند. چراکه مفاهیم فوق به صورت «در زمانی» و در طول تاریخ در معماری وجود داشته و مربوط به دوره خاص و یا منطقه‌ای خاص نبوده‌اند. این ارزش‌ها می‌توانند به طور سیال در اندیشه معاصر معماری نقش بسته و در هر قالبی، عیان شوند و رنگ و بوی محلی را به کالبد خانه‌ها تزریق کنند و زمینه نگاه محلی را در هویت تاریخی و مکانی فراهم می‌سازند.

پی‌نوشت‌ها

1. Harold M. Proshansky (1920-1990)
2. David Canter
3. Irwin Altman
4. Setha M. Low
5. Ferdinand de Saussure
6. Charles Sanders Peirce (1839-1914)
7. Positivism
8. Structuralism

فهرست منابع

- احمدی، بابک (۱۳۸۶)، *ساختار و تأویل متن*، تهران: نشر مرکز.
- امیرسرداری، یاسر؛ فروتن، منوچهر؛ معظمی، منوچهر و محمدی، مریم (۱۳۹۸)، *برج مسکونی در قاب سینما؛ واکاوی نشانه‌شناختی ساختمان‌های بلند مسکونی در سینمای بعد از انقلاب اسلامی ایران*، نشریه باغ نظر؛ شماره ۷۴، صص ۳۰-۱۷.
- انصاری، حمیدرضا (۱۳۸۹)، *جستاری در نظریه معماری و مراتب آن*، معماری و شهرسازی (هنرهای زیبا سابق)؛ دوره ۲، شماره ۴۱، صص ۲۸-۱۷.
- پیرنیا، محمدکریم (۱۳۸۶)، *سبک‌شناسی معماری ایرانی*، تدوین غلامحسین معماریان، تهران: انتشارات سروش دانش.
- جوان فروزنده، علی؛ مطلبی، قاسم (۱۳۹۰)، *مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل‌دهنده آن*، هریت شهر؛ دوره ۵، شماره ۸، صص ۳۷-۲۷.
- چندلر، دانیل (۱۳۸۶)، *مبانی نشانه‌شناسی*، ترجمه مهدی پارسا، تهران: انتشارات سوره مهر.
- حائری، محمدرضا (۱۳۸۸)، *خانه، فرهنگ، طبیعت: بررسی معماری*

فضای معماری است. بنابراین معماری هم نوعی زبان است؛ نظامی است از واژه‌های وابسته به هم. اثر معماری شبیه به متن نگارشی و خوانشی است از کلمه‌ها، احجام، بافت‌ها و اجزای تشکیل‌دهنده بنا که دارای وابستگی معنایی به هم هستند. هر اثر معماری با رمزگان‌های زیباشناختی به همراه رمزگان‌های اجتماعی پیام خود را انتقال می‌دهند. از این روی با توجه به مطالب گفته شده هر طرح معماری شبکه‌ای از نشانه‌هاست که به طور مجرد واجد معنای خاصی نیستند و فقط در بافتار شبکه‌گون متن دلالت‌گری خود را نشان می‌دهد. طرح معماری از شناخت، تفسیر، تأویل و معناسازی منتج می‌شود که نیازمند روش یا دانشی هست که در قالب نشانه‌شناسی جای می‌گیرد و شامل مراحل شناختن رمز عناصر (شبکه متن) و شناختن روابط عناصر (درون متن) و تأویل معنای متن است. نشانه‌شناسی با درک و دریافت پدیده‌های جهان، از طریق خوانش و قرائت نشانه‌های موجود در پدیده‌ها حاصل می‌شود و برپایه روابط دلالتی برای پدیده‌های اجتماعی به آفرینش و تولید معنا می‌پردازد. کاربرد علم نشانه‌ها به لایه‌هایی فراتر از نشانه‌های ملموس و محسوس، توجه به دلالت‌های ضمنی و کشف ساحت غیابی متن بر می‌گردد. با مبانی نشانه‌شناسی، امکان رسیدن به مدلی تحلیلی از نشانه‌شناسی معماری برای شناخت، ارزیابی و تحلیل معماری وجود دارد؛ مدلی که زمینه دریافت معنا و مفهوم این‌گونه معماری را فراهم کند.

در این پژوهش، خانه سنتی شهری را با رویکرد معناشناسی بررسی و معنا را در کیفیت‌های مورد توجه، در قالب روش نشانه‌شناسی به عنوان یکی از روش‌های معناشناسی بررسی کرده است. خانه سنتی ایرانی دارای ساختار و بناهایی هستند که در چندین لایه و سطح با مخاطب ارتباط برقرار می‌کنند. برخلاف معماری و طراحی سرگشته امروزی ایران، در این خانه‌ها، شاهد مهارت خاصی در استفاده از عناصر معماری و رمزگان‌ها هستیم تا علاوه بر کارکرد ابتدایی در چند سطح؛ رمزگان‌های اجتماعی - فرهنگی، کارکردی، زیبایی‌شناختی و معنایی با فرهنگ مردمی که در آنها سکنی داشته‌اند و در سطح کلان‌تر با اجتماع، در هماهنگی تمام هستند. نیاز زیستن انسان به خانه به عنوان یک مکان فرهنگی در عنوان فرهنگ - خانه، محصول ادغام، سازگاری، شکل‌پذیری، نظام‌مندی اجتماعی و فرهنگی انسان‌ها است. فرهنگ - خانه، از این روی به تعیین مجموعه ارزش‌ها و معانی می‌پردازد و در پی چیستی و چگونگی شکل گرفتن مفهوم خانه در یک گروه، در یک قوم و در یک ملت

فلاح، محمدصادق؛ نوحی، سمیرا (۱۳۹۱)، ماهیت نشانه‌ها و نقش آن در ارتقای حس مکان فضای معماری، نشریه معماری و شهرسازی (هنرهای زیبا)؛ دوره ۱۷، شماره ۱، صص ۲۵-۱۷.

قلیچ‌خانی، بهنام (۱۳۹۱)، رویکردی تحلیلی به سیر تحول خانه ایرانی در عهد قاجار، رساله دکتری معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران.

کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰)، عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: طرح نو.

کندلیس، ماندالا (۱۹۷۳)، نقشه‌های قدیمی شهر همدان، همدان: انتشارات دانشگاه بوعلی‌سینا.

کوپر مارکوس، کلر (۱۳۸۲)، خانه نماد خویش، ترجمه احمد علی‌قیان، خیال‌بهار؛ شماره ۵، صص ۱۱۹-۸۴.

لنگ، جان (۱۳۸۶)، آفرینش نظریه معماری، ترجمه علیرضا عینی‌فر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

معماریان، غلامحسین (۱۳۸۷)، آشنایی با معماری مسکونی ایرانی: گونه‌شناسی درون‌نگر، تهران: سروش دانش.

نجومیان، امیرعلی (۱۳۸۷)، تحلیل نشانه‌شناختی خانه‌های تاریخی کاشان، نشریه نامه معماری و شهرسازی؛ سال یکم، شماره ۱، صص ۱۲۸-۱۱۱.

نسبیت، کیت (۱۳۹۱)، نظریه‌های پسامدرن در معماری، ترجمه محمدرضا شیرازی، تهران: نشر نی.

نیلاندر، اولا (۱۳۹۰)، معماری خانه، ترجمه محمدصادق فلاح. زنجان: انتشارات دانشگاه زنجان.

هاشم‌نژاد، هاشم (۱۳۸۰)، تأثیر و بازتاب معماری در تبادل فرهنگ و تمدن، معماری و فرهنگ؛ سال سوم، شماره ۱۱، صص ۲۷-۲۴.

Canter, David (1977). *The Psychology of Place*. London: Palgrave Macmillan.

Danesi, Marcel (2007). *The Quest for Meaning: A Guide to Semiotic Theory and Practice*, Toronto: University of Toronto Press.

Gottmann, Jean (1994). *Cities and Health*. also in Italian: Quel doppio volto della città.

Gustafson, Per (2001). Meanings of place: Everyday experience and theoretical conceptualizations. *Journal of Environmental Psychology*; Vol:21(1), pp:5-16. DOI:10.1006/jevp.2000.0185

Low, S. M., & Altman, I. (1992). Place attachment: A conceptual inquiry. *Human Behavior & Environment: Advances in Theory & Research*; Vol: 12, pp:1-12.

خانه‌های تاریخی و معاصر به منظور تدوین فرآیندها و معیارهای طراحی خانه، تهران: مرکز تحقیقات مسکن و شهرسازی، وزارت راه و شهرسازی.

حجت، مهدی (۱۳۸۷)، مجموعه گفتارهایی درباره خانه، تهران: مرکز هنرپژوهی نقش جهان.

دانش‌پور، سیدعبدالهادی؛ رضازاده، راضیه؛ سجودی، فرزانه و محمدی، مریم (۱۳۹۲)، بررسی کارکرد و معنای فرم شهر مدرن از منظر نشانه‌شناسی لایه‌ای، نشریه نامه معماری و شهرسازی؛ شماره ۱۱، صص ۸۸-۷۱.

دباغ، امیرمسعود و مختاباد امرانی، مصطفی (۱۳۸۹)، تأویل معماری پست مدرن از منظر نشانه‌شناسی، نشریه علمی-پژوهشی هویت شهر؛ شماره ۹، صص ۷۲-۵۹.

راپاپورت، آموس (۱۳۸۸)، انسان‌شناسی مسکن، ترجمه خسرو فضلپیان، تهران: انتشارات کسری.

رئیزی، محمدمنان (۱۳۸۹)، معماری به مثابه متن واکاوی امکان قرائت‌های مختلف از یک اثر معماری، فصلنامه منظر؛ شماره ۷، صص ۵۳-۵۰.

زارعی، محمدابراهیم؛ حاتمی‌مجد، فائزه و محمدیان‌منصور، صاحب (۱۳۹۷)، خانه‌های قدیمی همدان، تهران: انتشارات نشر طلایی.

سجودی، فرزانه (۱۳۸۳)، نشانه‌شناسی لایه‌ای و کاربرد آن در تحلیل نشانه‌شناختی متون هنری، به کوشش فرزانه سجودی و فرهاد طاهری، مجموعه مقالات اولین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی هنر، تهران: فرهنگستان هنر.

سرمدستانی، محمد؛ فروتن، منوچهر و طهوری، نیر (۱۳۹۷)، آفرینش شاعرانه در فضای شهری: واکاوی نشانه‌شناختی فضای شهری باغ بلند شیراز، نشریه علمی-پژوهشی هویت شهر؛ شماره ۳۴، صص ۷۸-۶۷.

سوسور، فردینان دو (۱۳۷۸)، دوره زبان‌شناسی عمومی، ترجمه کوروش صفوی، تهران: هرمس.

شولتز، کریستیان نوربرگ (۱۳۸۷)، معنا در معماری غرب، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، تهران: نشر فرهنگستان هنر.

ضیمران، محمد (۱۳۸۳)، درآمدی بر نشانه‌شناسی هنر، تهران: نشر قصبه.

علیپور، ابراهیم (۱۳۸۵)، تحولات عصر مدرن و نیازهای اساسی انسان معاصر از نگاه مارتین هیدگر، نقد و نظر؛ دوره ۱۱، شماره ۴۳ و ۴۴، صص ۱۳۸-۱۰۲.

غفاری، علیرضا (۱۳۹۳)، تحلیل ساختار شکل در معماری ایران، از رویکرد نشانه‌شناختی معماری (مطالعه موردی: بازارهای ایران)، رساله دکتری معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران.

فلاح، محمدصادق (۱۳۸۵)، مفهوم حس مکان و عوامل شکل‌دهنده آن، نشریه هنرهای زیبا؛ شماره ۲۶، صص ۶۶-۵۷.

COPYRIGHTS

© 2022 by the authors. Published by Soore University. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

